



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۲

تحلیل فضایی - مکانی و سطح بندی روستاهای استان کرمان به منظور توسعه پایدار روستایی با استفاده از

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)

محسن کمانداری*^۱، دکتر حسین غضنفرپور^۲

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار بخش جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان

mohsenkamandari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱

چکیده:

استان پهناور کرمان بیش از ۱۱۰۰۰ آبادی دارد که از این تعداد ۵۹۳۰ روستا دارای سکنه هستند. روستاهای دارای سکنه در سطوح مختلف جمعیتی و سطوح متفاوت خدماتی قرار دارند و از توزیع فضایی - مکانی یکنواختی برخوردار نیستند. به گونه‌ای که روستاهای سطح یک با ۸۵ روستا که ۱/۴۳ درصد روستاهای استان را تشکیل می‌دهند، ۱۶/۴۲ درصد از جمعیت استان را شامل می‌شوند در حالیکه روستاهای سطح چهار با ۴۱۳۳ روستا، ۶۹ درصد از روستاهای استان را در بر می‌گیرد که ۱۹/۳ درصد از جمعیت روستایی استان را تشکیل می‌دهد. به لحاظ خدماتی نیز توزیع نامناسبی در سطح روستاهای استان دیده می‌شود بطوریکه ۲۰۴ روستا از ۵۹۳۰ روستای استان را می‌توان به عنوان روستای مرکزی انتخاب کرد که بالاترین امتیاز خدماتی را بر اساس سنجش نهادی گاتمن بدست آورده‌اند. عدم توزیع فضایی و مکانی مناسب روستاها ناشی از سطح متفاوت برخورداری مناطق مختلف استان کرمان است. بطوریکه مناطق شمالی تا غربی و مرکزی استان از مناطق برخوردار محسوب شده و بیشترین روستاهای مرکزی و پرجمعیت را در خود جای داده است و مناطق جنوبی و شرقی استان از نقاط کم برخوردار محسوب می‌شود و روستاهای آن از جمعیت کمتر و سطح پایین تر خدماتی بهره‌مندند. زمانی می‌توان توسعه پایدار ایجاد کرد که توزیع فضایی و مکانی روستا را بهینه نمایم و زمانی می‌توانیم توزیع فضایی و مکانی را بهینه نمایم که سطح برخورداری را در نقاط مختلف استان بهینه نمایم. هدف این مقاله بیان نابرابری های فضایی، سطوح برخورداری و جمعیتی روستاهای استان کرمان است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی، جمع آوری اطلاعات با روش اسنادی و میدانی، ابزار تحلیل اطلاعات استفاده از GIS و نتایج تحقیق نشان می‌دهد توزیع فضایی روستاها نامتعادل، سطوح جمعیتی و اقتصادی، نابرابر و ایجاد توسعه پایدار در روستاها استان با مشکلات فراوانی همراه است.

واژگان کلیدی: تحلیل فضایی - مکانی، سطح بندی روستاها، توسعه پایدار روستایی، سیستم اطلاعات جغرافیایی.

مقدمه:

روستا و زندگی روستایی در سیر تحولات خود فراز و نشیب های فراوانی به خود دیده، در ابتدای زندگی بشر که انسان بی خانمان بود جنگل نشینی و بیابان گردی تنها شیوه گذران زندگی بود سختی این شیوه انسان را وادار به یافتن زندگی بهتر نمود و به تدریج خود را از زندگی بیانگردی رها کرد و با تجربه ای که بدست آورده بود و با تدبیری که به خرج داد شیوه سکونت روستایی را برگزید. (لنسکی، گرهارد، ص ۱۳). کاشت بذر انسان بیابانگرد را به یکجانشین تبدیل کرد و با تمرکز جمعیت در نقاط خوش آب و هوا و مساعد برای کشت، زندگی کشاورزی پدید آمد و بدین ترتیب اولین روستاها پدید آمدند. از شکل اولین دهکده های ایران می توان دریافت که قدمت آنها به ۹۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر می گردد، آنگاه که تغییری در روش زندگی و معیشت انسان به وجود آمد و به تدریج که انسانها با کشاورزی آشنا شدند به دلیل این که زمین و نوع خاک برای آنها اهمیت یافت در مناطق مساعد مستقر شدند. بطور کلی، مکانهای استقرار اولیه در جاهایی شکل گرفت که از خاک و آب نسبتاً مطلوبی برخوردار بود. اما اتفاق بر این است که اولین مکانهای زیستی (دهات) در ایران حدود ده قرن قبل از میلاد، در دامنه های زاگرس و نواحی شمال خوزستان و احتمالاً در قسمتهایی از عراق کنونی و نواحی بین النهرین ظاهر گردیده است. (حسینی آبری، ۱۳۸۰ ص ۲۰) بنا به شواهد تاریخی اولین روستاها در بین النهرین بوجود آمدند. زیرا در این منطقه امکانات و شرایط لازم فراهم بود و نقاطی دیگر از جمله دره نیل، دره سند و پنجاب، دره هوانگهو زمینه ساز پدید آمدن روستاها شدند و به تدریج در سایر نقاط جهان این شیوه گسترش یافت. بطوری که در مدت چندین هزار سال مهمترین شیوه سکونت انسان بشمار می رفت و با توسعه سریع زندگی شهری هنوز هم حدود ۵۰ درصد از جمعیت جهان در روستاها زندگی می کنند. درکشور ما تا ابتدای قرن حدود ۸۰ درصد از جمعیت در روستاها سکونت داشتند به تدریج از جمعیت روستایی کاسته شد و به جمعیت شهری افزوده گردید.

هدف تحقیق:

هدف این مقاله بررسی تحولات جمعیت روستایی و توزیع مکانی روستاهای استان، دسته بندی روستاها برای رسیدن به توسعه پایدار، سطح بندی روستاها از نظر جمعیت و برخورداری از امکانات بر اساس میزان سنج نهادی گاتمن و سلسله مراتب آنها می باشد.

اهمیت تحقیق:

اهمیت تحقیق در این است که تا کنون دسته بندی و سطح بندی از روستاهای استان بعمل نیامده و امکانات و خدمات بر اساس یک سطح بندی مناسب توزیع نمی شود یا به عبارتی الگوی مناسب و مشخصی در توزیع خدمات وجود ندارد. بر اساس سطح بندی صورت گرفته در این مقاله می توان نظام خدمات رسانی را بهینه کرد.

روش تحقیق:

در این تحقیق روش مطالعه، توصیفی - تحلیلی است که با جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از دو شیوه کتابخانه ای و میدانی انجام شده است. در بخش کتابخانه ای، به گردآوری اطلاعات توصیفی و آماری از کتابها، مقالات، گزارشات، و سالنامه های آماری پرداخته شده و تجزیه تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار **GIS** و نتایج به صورت نقشه استخراج شده است.

مبانی نظری تحقیق:

تحلیل جمعیت روستایی:

در این بحث ابتدا مقایسه ای بین جمعیت روستایی کشور و استان، سپس مقایسه جمعیت روستایی و شهری استان، تغییرات جمعیت روستایی و شهری شهرستانهای استان و توزیع فضایی و مکانی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روستا:

روستا عبارت است از فضایی اجتماعی که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت، نوع خاصی از فعالیتهای اقتصادی، عمدتاً فعالیت های کشاورزی غلبه دارد. در این نوع اجتماع، فعالیت های بخش صنعت و بخصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است. روابط اجتماعی - اقتصادی سکونت گاههای روستایی معمولاً در عرصه هایی محدود و مشخص جریان دارد و ساکنان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که به نام روستا مشخص می گردد. این مجموعه مکانی - فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی - اقتصادی خاص و بستگی ها و پیوندهای ویژه محیطی - اکولوژیک، اجتماعی معینی را بوجود می آورد که می توان آن را فضای روستایی خواند. (سعیدی، ۱۳۷۸ ص ۱۸)

پیدایش روستا در ایران:

شکل گیری روستا در ایران به هزاره های قبل از میلاد می رسد و اطلاعات دقیقی از تشکیل اولین روستاها در ایران در دست نیست. ولی با نظر عده ای از جامعه شناسان روستایی می توان هم عقیده شد که ده از روزی پدیدار شد که گروه های کوچ نشین انسانی که پیش از آن به شکار و احیاناً دامپروری اشتغال داشتند، به کشاورزی آگاهی یافتند و بدین ترتیب سکونت را بر حرکت ترجیح داده و در قطعه زمینی سکونت نمودند و بدین ترتیب شاید اولین هسته یکجانشینی و تشکیل اجتماعات انسانی بوجود آمد. ده نشینی رابطه مکانی را بوجود آورد و روابط اجتماعی با علقه های خویشاوندی در هم آمیخت و محیط های روستایی با ویژگی های اجتماعی و قومی بوجود آمد. در هزاره سوم قبل از میلاد که مصادف با ظهور قوم ماد در ایران می باشد، به علت توسعه کشاورزی و رشد نیروهای مولد و تعالی صنایع فلزی و سفال سازی، مراکز روستایی در ایران گسترش و توسعه می یابد زیرا که روستائیان ماد با پیشرفت در زندگی کشاورزی و بهره برداری از امکانات طبیعی و پرورش اسب و بهره گیری از نیروی گاو توانستند با افزایش ارتباطات تجاری و اجتماعی به قدرت اقتصادی زیادتری در زمینه های کشاورزی و تجاری دست یابند و بر اثر این تلاش بود که اولین قوم در ایران به حکومت رسید. (مهدوی، ۱۳۸۳ ص ۹).

وضع موجود روستایی استان و کشور:

برای اینکه به تغییر و تحولات روستایی استان پی ببریم لازم است مقایسه ای بین جمعیت کشور و استان داشته باشیم و جایگاه جمعیت روستایی را در جمعیت کشور و استان بررسی کنیم تا از تغییر و تحولات آن آگاهی یابیم. در جدول زیر این مقایسه انجام شده است.

جدول ۱: مقایسه شاخص های جمعیت روستایی کشور و استان سالهای ۸۵-۱۳۵۵

شاخص	سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت کشور		۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۷۲۸۴۶
جمعیت روستایی کشور		۱۷۸۵۴۰۶۴	۲۲۳۴۹۳۵۱	۲۳۲۶۲۲۹۳	۲۲۱۳۱۱۰۱
جمعیت استان		۱۰۹۱۱۴۸	۱۶۲۲۹۵۸	۲۰۰۴۳۲۸	۲۶۵۲۴۱۳
جمعیت روستایی استان		۷۴۰۳۴۲	۸۸۲۲۷۵	۹۲۲۸۸۳	۱۰۸۹۷۴۴
نسبت جمعیت روستایی		۵۳	۴۵/۲	۳۸/۳	۳۱/۴
درصد روستا نشینی		۶۷/۸	۵۴/۳	۴۶	۴۱

مآخذ: سرشماری نفوس و مسکن سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۵

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود جمعیت کشور طی ۳۰ سال گذشته بیش دو برابر شده یعنی از ۳۳۷۰۸۷۴۴ نفر به ۷۰۴۷۲۸۴۶ نفر رسیده و جمعیت استان کرمان طی همین مدت ۲/۴ برابر شده یعنی از ۱۰۹۱۱۴۸ نفر به ۲۶۵۲۴۱۳ نفر رسیده، اما جمعیت روستایی کشور در این مدت فقط ۱/۲ برابر شده یعنی از ۱۷۸۵۴۰۶۴ نفر به ۲۲۱۳۱۱۰۱ نفر رسیده، که در مقایسه با جمعیت کشور که در همین دوره دو برابر شده، رشد اندکی را نشان می دهد. در دوره ۳۰ ساله ۸۵-۱۳۵۵ جمعیت روستایی استان از ۷۴۰۳۴۲ نفر به ۱۰۸۹۷۴۴ نفر رسیده یعنی ۱/۴ برابر شده که در مقایسه با رشد جمعیت استان که طی همین مدت ۲/۴ برابر شده، رشد اندکی را نشان می دهد با توجه به موارد بالا می توان گفت رشد جمعیت روستایی در مقایسه با جمعیت کل روند کندی را نشان می دهد. نسبت جمعیت روستایی کشور از ۵۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته و جمعیت روستایی استان از ۶۷/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۱ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش پیدا کرده. روند فوق نشان می دهد نسبت جمعیت روستایی طی سالهای فوق در کشور و استان روند نزولی را طی کرده که ناشی از رشد جمعیت شهری است. کاهش نسبت جمعیت روستایی در کشور و استان به دلیل عوامل تأثیرگذاری است که در کشور و استان بطور یکسان عمل کرده است.

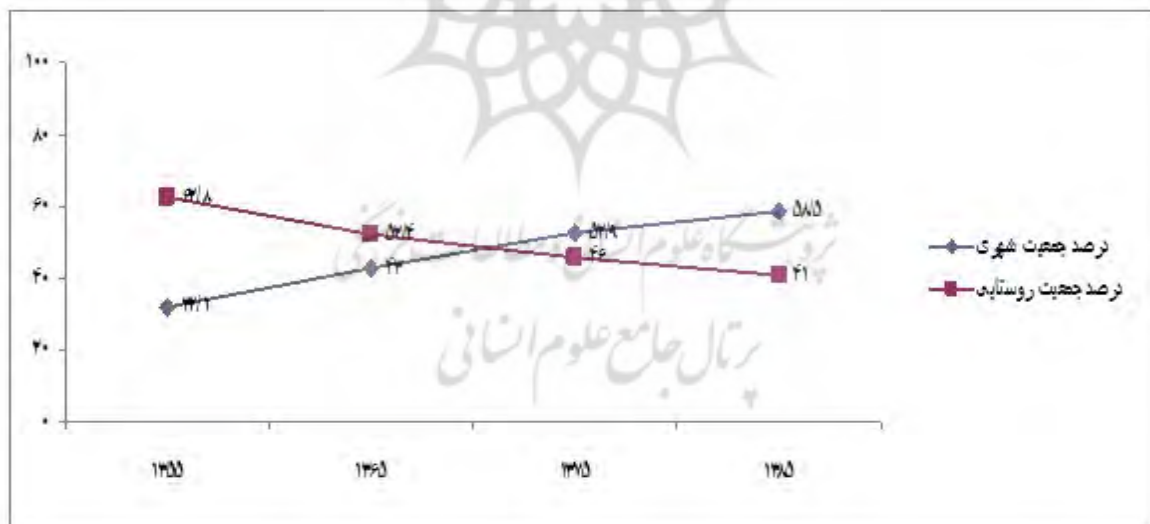
رشد جمعیت روستایی و شهری در جدول زیر ذکر گردیده، از مقایسه آن می توان به رشد سریع جمعیت شهری و رشد کند جمعیت روستایی پی برد که خود ناشی از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی است.

جدول ۲: مقایسه جمعیت شهری و روستایی استان طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

شاخص	سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت استان		۱۰۹۱۱۴۸	۱۶۲۲۹۵۸	۲۰۰۴۳۲۸	۲۶۵۲۴۱۳
جمعیت شهری استان		۳۵۰۷۸۸	۶۹۸۷۵۵	۱۰۶۰۰۷۵	۱۵۵۲۵۱۹
جمعیت روستایی استان		۶۸۴۹۱۰	۸۵۰۸۶۲	۹۲۲۸۸۳	۱۰۸۹۷۴۷
درصد جمعیت شهری استان		۳۲/۱	۴۳	۵۲/۹	۵۸/۵
درصد جمعیت روستایی استان		۶۲/۸	۵۲/۴	۴۶	۴۱

مأخذ: استانداری کرمان، طرح آمایش

همانگونه که ملاحظه میشود جمعیت استان طی دوره ۳۰ ساله حدود ۲/۴ برابر شده، جمعیت شهری حدود ۵ برابر شده است یعنی از ۳۵۰۷۸۸ نفر به ۱۵۵۲۵۱۹ نفر رسیده، در همین مدت جمعیت روستایی استان از ۶۸۴۹۱۰ نفر به ۱۰۸۹۷۴۷ نفر رسیده یعنی حدود ۱/۴ برابر شده است. که در مقایسه با رشد سریع جمعیت شهری که ۵ برابر شده است روند رشد بسیار اندکی را نشان می دهد. درصد شهرنشینی در مقابل روستانشینی نیز با سرعت زیادی در حال رشد است جمعیت شهری از ۳۲/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و بر عکس آن درصد روستانشینی با سرعت زیادی در حال کاهش بوده از ۶۲/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۱ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته. افزایش سریع جمعیت شهری و کاهش سریع جمعیت روستایی به روند معمول و عادی کشور تبدیل شده است که خود ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور است که در تغییر ساختار جمعیت شهری و روستایی متجلی گردیده.



نمودار ۱: مقایسه درصد جمعیت شهری و روستایی استان طی سال های ۱۳۵۵-۱۳۸۵

تغییرات جمعیت شهرستانهای استان کرمان:



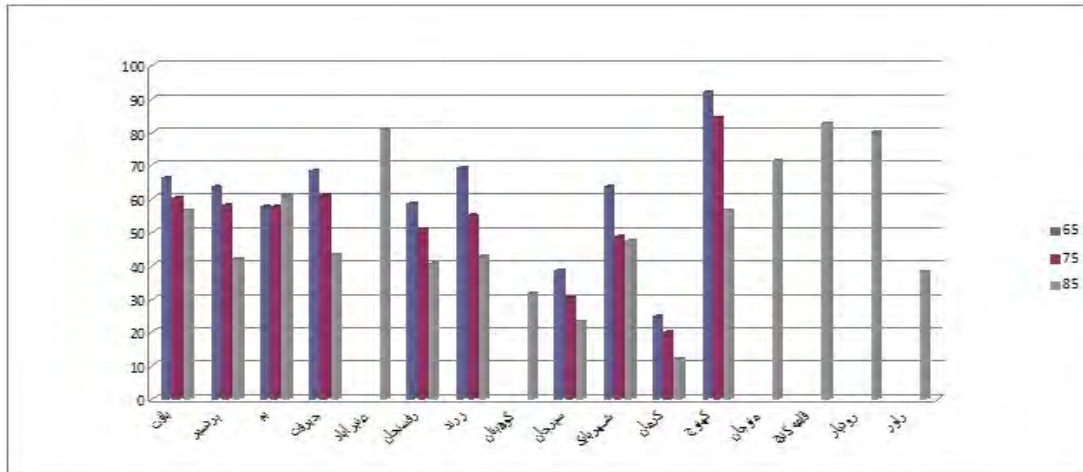
در استان کرمان جمعیت روستایی رشد بسیار کندی دارد، شهرستان های استان نیز از این وضعیت تبعیت می نمایند در دوره ۳۰ ساله ۸۵-۱۳۵۵ جمعیت روستایی در اکثر شهرستانهای استان ثابت مانده و یا رشد اندکی یافته و در مواردی نیز کاهش یافته، بطوریکه شهرستانهای زرنند، کوهبنان، کرمان، راور، سیرجان، رفسنجان، و بردسیر جمعیت روستایی شان کاهش یافته و برخی دیگر از شهرستانها مانند شهرستان بافت رشد اندکی را نشان می دهد. در کل استان طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۱۶۰۰۰۰ نفر به جمعیت روستایی افزوده شده در حالی که در همین مدت به جمعیت شهرنشین حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر افزوده شده است. به عبارتی می توان گفت، افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. جمعیت روستایی در شهرستانهای استان به صورت یکنواخت توزیع نشده، عدم توزیع یکنواخت ناشی از عوامل متعدد اقتصادی، زیرساخت های طبیعی، محدودیت های محیطی، ساختار اجتماعی و فرهنگی است که نسبت جمعیت شهری را در برخی شهرستانها افزایش داده و جمعیت روستایی را کاهش داده است.

همانگونه که در جدول زیر مشاهده می شود جمعیت روستایی با ۱۰۸۹۷۴۷ نفر، ۴۱ درصد از جمعیت استان را شامل میشود که بین ۱۶ شهرستان توزیع شده اند و توزیع یکنواختی بین شهرستانها مشاهده نمی شود، کمترین درصد جمعیت روستایی استان مربوط به شهرستان کوهبنان با ۰/۷۲ درصد و بیشترین درصد مربوط به شهرستان بم با ۱۵/۸ درصد. بیشترین روستاها در شهرستان سیرجان با ۸۱۶ روستا و ۱۲/۱ درصد از روستاهای استان، و کمترین تعداد روستا مربوط به شهرستان کوهبنان با ۱/۹ درصد از روستاهای استان. در بین شهرستانهای استان، کمترین نسبت روستانشین را شهرستان کرمان با ۱۲ درصد دارد و بیشترین نسبت روستانشین را شهرستان قلعه گنج با ۸۲/۷ درصد دارد.

جدول ۳: توزیع روستاها و جمعیت روستایی شهرستانهای استان کرمان در سال ۱۳۸۵

شهرستان	جمعیت کل شهرستان	جمعیت روستایی	درصد از کل	تعداد روستا	درصد از کل	درصد جمعیت روستانشین
بافت	۱۴۵۰۱۴	۸۲۳۶۶	۷/۵	۷۳۳	۱۱	۵۶/۷
بردسیر	۸۹۲۶۵	۳۷۳۵۴	۳/۴	۴۵۸	۶/۸	۴۱/۸
بم	۲۸۲۳۱۱	۱۷۲۲۸۹	۱۵/۸	۶۳۳	۹/۴	۶۱
جیرفت	۱۸۷۵۹۵	۸۱۳۷۷	۷/۴	۷۴۸	۱۱/۱	۴۳/۳
عنبرآباد	۱۱۴۹۶۴	۹۳۲۹۰	۸/۵	۴۸۶	۷/۲	۸۱
رفسنجان	۲۹۵۱۷۵	۱۱۹۸۰۳	۱۱	۳۸۱	۵/۶	۴۰/۵
زرنند	۱۲۰۸۱۱	۵۱۵۳۷	۴/۷	۲۳۱	۳/۴	۴۲/۶
کوهبنان	۲۴۸۷۹	۷۸۸۵	۰/۷۲	۱۲۷	۱/۹	۳۱/۶
سیرجان	۲۴۵۸۱۲	۵۷۲۷۶	۵/۲	۸۱۶	۱۲/۱	۲۳/۳
شهرابک	۱۰۲۵۳۷	۴۸۸۱۷	۴/۴	۳۱۵	۴/۷	۴۷/۶
کرمان	۶۷۷۶۵۰	۸۰۶۶۵	۷/۴	۶۸۰	۱۰/۲	۱۲
کهنوج	۱۰۵۲۰۷	۵۹۴۵۶	۵/۴	۲۳۷	۳/۵	۵۶/۵
منوجان	۶۳۸۴۵	۴۵۶۷۹	۱/۴	۱۷۷	۲/۶	۷۱/۵
قلعه گنج	۷۰۲۹۲	۵۸۱۸۴	۵/۴	۲۰۸	۳/۱	۸۲/۷
رودبار	۸۷۵۹۴	۷۸۶۵۹	۷/۲	۳۶۳	۵/۴	۷۹/۷

۳۸/۲	۲	۱۲۸	۱/۳	۱۵۱۱۱	۳۹۴۶۲	راور
۴۱	۱۰۰	۶۷۲۱	۱۰۰	۱۰۸۹۷۴۷	۲۶۵۲۴۱۳	کل استان



نمودار ۲: مقایسه میزان روستا نشینی شهرستان‌های استان طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵

از آمار و ارقام و اطلاعات فوق می‌توان به توزیع نابرابر جمعیت روستایی و روستانشین در سطح استان پی برد. بنابراین توزیع مکانی و فضایی نظام روستایی استان توزیع نابرابری است که عوامل محیطی، محلی و منطقه‌ای در آن موثر بوده‌اند. توزیع جمعیت روستایی و روستاهای استان را در سه منطقه جغرافیایی به شرح زیر می‌توان ذکر کرد.

۱. **شهرستان‌های شمالی استان:** این منطقه روستانشین کمتر و نسبت شهرنشین بیشتری دارد که عوامل محیطی و منطقه‌ای از جمله شرایط طبیعی، مجاورت با بیابان لوت و دشت کویر، توسعه فعالیت‌های صنعتی و معدنی، اداری و سیاسی در افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی موثر بوده است. شهرستان‌های راور، زرنده، کوهبنان، کرمان از آن جمله‌اند:

۲. **شهرستان‌های مرکزی و غربی استان:** این منطقه جمعیت روستانشین و شهرنشین متعادلی دارد. شهرستان‌های بردسیر، بافت، سیرجان، شهر بابک، رفسنجان از آن جمله‌اند، شرایط محیط طبیعی و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی، گسترش فعالیت‌های صنعتی و معدنی باعث تعادل بخشی جمعیت روستایی و شهری شده است.

۳. **شهرستان‌های جنوبی استان:** شهرستان‌های جیرفت، کهنوج، رودبار، موجان، قلعه گنج در این منطقه قرار دارند. اکثر این شهرستان‌ها به تازگی به شهرستان تبدیل شده‌اند، از نظام شهری با سابقه‌ای برخوردار نبوده‌اند، بافت و ساختار اقتصادی و اجتماعی روستایی دارند، شرایط محیطی و طبیعی به گونه‌ای است که فعالیت‌های اقتصادی آنها مبتنی بر کشاورزی است زیرا از لحاظ معدنی بسیار فقیرند و از لحاظ صنعتی بسیار عقب مانده اما به لحاظ آب‌های سطحی و زیر زمینی از موقعیت خوبی برخوردارند و به همین لحاظ بیشتر به کشاورزی روی آورده‌اند و تمرکز جمعیت آنها به سمت روستایی است.

دسته بندی روستاها: روستاها را بر اساس عوامل مختلف می توان دسته بندی نمود که عبارتند از:

الف: شاخص های محیطی - اکولوژیک: ساختار زمینی، ناهمواری، آب و هوا، منابع آب، خاک، پوشش گیاهی

ب: شاخص های اجتماعی: شامل پراکنش، تراکم جمعیت، قومیت دسترسی به شهرها و زندگی شهری.

ج: شاخص های اقتصادی: نوع و دامنه فعالیت غالب، میزان دسترسی به منابع آب و خاک، دسترسی به بازار.

د: شاخص های سیاسی: موقعیت استقرار، نزدیکی به مرزهای بین المللی (سعیدی، عباس، ۱۳۸۸ ص ۱۶)

اگرچه روستاها بر اساس عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد دسته بندی واقع می شوند اما یکی از مهمترین دسته بندیهای که روستاها بر اساس آن صورت می گیرند نوع مسکن است زیرا مسکن با کاربردهای متفاوت و متنوع خود نقش با اهمیتی در زندگی روستایی دارد. منازل روستایی ایران در هر منطقه جغرافیایی با الگوی معماری خاص خود کاربردهای فراوانی دارند که در زیر به برخی از طبقه بندیها اشاره می شود.

ابتدایی ترین و اصلی ترین و در عین حال پیچیده ترین صورت مسکن انسانهای یکجا نشین مسکن روستایی است. زیرا نه تنها نقش استراحت گاهی بلکه نقش های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را نیز بر عهده دارند. به عبارت دیگر مسکن روستایی چند نقشی هستند و معمولاً به صورت الزام در زمینه نوع مصالح، سبک معماری، تنوع کاربریهای درون خود، از طبیعت و نیازهای پیرامون خود حداکثر تبعیت را نموده اند. یعنی از تنوع اقلیمی، ناهمواری، جنس زمین، الگوی معیشت و ویژگی های قومی ساکنان تبعیت خاص یافته اند. محققان مختلف این مسکن را بر همین اساس و بر مبنای مختلف یعنی تفرق و تمرکز، تأثیر عوامل طبیعی و انسانی، نوع کارکرد، توسعه یافتگی و ... تقسیم بندی کرده اند.

الف. طبقه بندی نقاط روستایی بر مبنای تمرکز تفرق مسکن

ب. طبقه بندی نقاط روستایی بر اساس عوامل طبیعی

ج. طبقه بندی نقاط روستایی بر اساس عوامل انسانی

د. طبقه بندی نقاط روستایی بر اساس توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی. (حسینی ابری، سیدحسن، ۱۳۸۰ ص ۲۸)

در استان کرمان تمرکز روستاها تحت تأثیر عوامل محیطی و متأثر از عامل انسانی با کارکردهای خاص خود سطح توسعه یافتگی روستایی را به نمایش می گذارد که خود سنجشی از سطح برخورداری روستاهاست.

توزیع فضایی مکانی روستاهای استان: روند یا نحوه پراکندگی و یا توزیع پدیده ها در قسمتی از سطح زمین یا یک عرصه فضایی معین را پراکنش فضایی می گویند. (سعیدی ۱۳۸۸، ص ۲۳) روستاهای استان کرمان از توزیع فضایی - مکانی مناسبی برخوردار نیستند چنانچه استان کرمان را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کنیم.

بخش شمالی (شامل مناطق شمالی - مرکزی و غربی) و بخش جنوبی (شامل مناطق شرقی و جنوبی) بیشترین روستاها در بخش شمالی، مرکزی و غربی استان قرار دارند. در این قسمت ۳۸۶۹ روستا وجود دارد و در مقابل در مناطق جنوبی و شرقی ۲۸۵۲ روستا قرار دارد به عبارتی ۵۷/۵ درصد از روستاها در بخش شمالی و ۴۲/۵ درصد از روستاها در بخش جنوبی و شرقی استان قرار دارند. از مجموع روستاهای استان، تنها ۸۵ روستا در سطح اول (روستاهای بزرگ) می باشند که ۷۶ درصد از این روستاها در نیمه شمالی و غربی و عمدتاً در شهرستانهای کرمان، رفسنجان، زرنند و سیرجان قرار گرفته اند. توزیع روستاها چه به لحاظ تعداد روستا و چه به لحاظ تعداد روستاهای مرکزی در قسمت جنوبی و شرقی استان نامناسب است و ۲۴ درصد از روستاهای بزرگ (روستاهای

مرکزی) در این قسمت از استان قرار دارند که بیانگر نابرابریهای ناحیه ای در سطح استان می باشد. در بخش جنوبی استان، شهرستانهای بم و جیرفت به دلیل وجود دشت هموار و مناسب برای کشاورزی، دارای جمعیت پذیری مناسب و روستاهای برخوردار از خدمات می باشند مهمترین علل توزیع نامناسب فضایی و مکانی روستاهای استان را به شرح زیر می توان ذکر کرد.

۱. وجود زمین های حاصلخیز و دشت های هموار جهت کشت مکانیزه با افزایش راندمان تولید در بخش شمالی.
 ۲. دسترسی مناسب به شبکه ارتباطی منطقه ای و ارتباط مطلوب شهر و روستا در مقابل سیستم ارتباطی نامناسب در جنوب استان
 ۳. برخورداری نیمه شمالی از امکانات و خدمات زیربنایی و استقرار صنایع و فعالیت های مهم اقتصادی در این بخش.

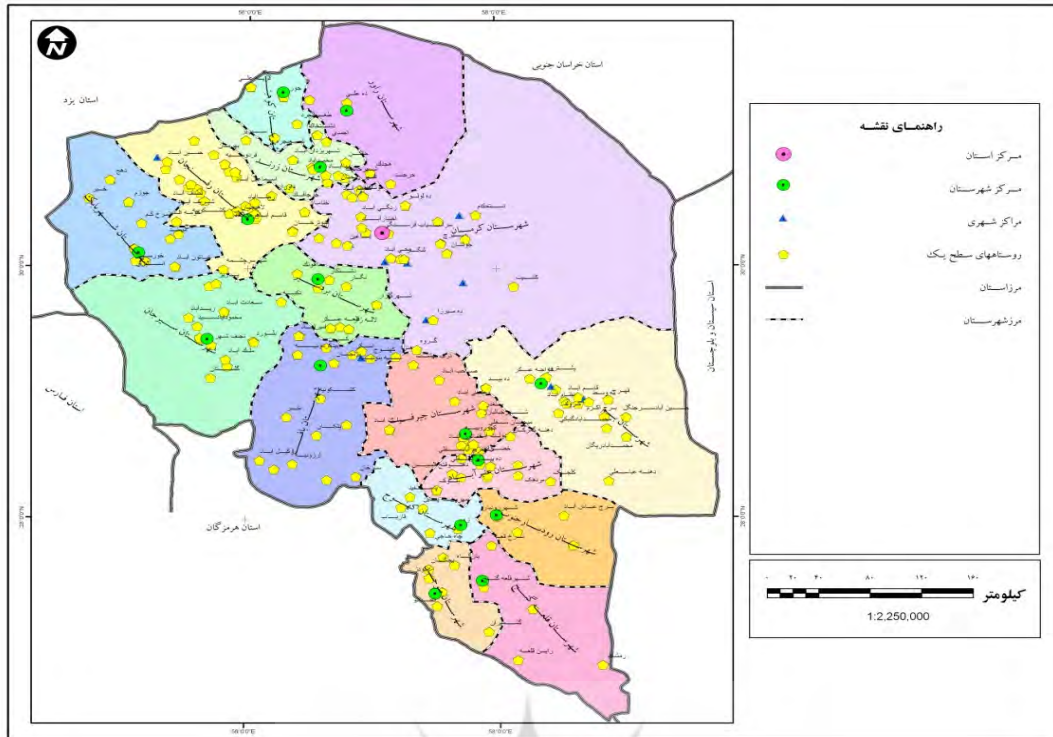
۴. اقلیم نسبتاً مناسب در مناطق شمالی، مرکزی و غربی استان و اقلیم گرم در جنوب استان که موجب افزایش تمرکز جمعیت در شمال و کاهش تمرکز در جنوب استان می شود.
 ۵. مجاورت روستاها با شهرها در شمالی و فاصله زیاد روستاها با شهرها در بخش جنوبی، نقشه های زیر توزیع فضایی روستاهای استان را نشان می دهند.

سطح بندی روستاهای استان کرمان: در سطح بندی روستایی عوامل مختلفی به عنوان شاخص های سطح بندی مد نظر قرار می گیرد از جمله ۱- شکل (فرم) ۲- سکونتگاه (سعیدی، ۱۳۸۸ص ۱۴)

روستاهای استان کرمان علاوه بر توزیع نامناسبی که به لحاظ فضایی و مکانی دارند توزیع نامناسب خدماتی نیز دارند، به لحاظ برخورداری از خدمات، روستاها را به چهار سطح دسته بندی کرده ایم. سطح بندی روستاها بر اساس میزان سنج نهادی گاتمن صورت گرفته (آسایش، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷) در این مدل تمرکز بر خدمات روستایی است و میزان بهره مندی روستاها از خدمات ملاک درجه آنهاست (دلیر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷)

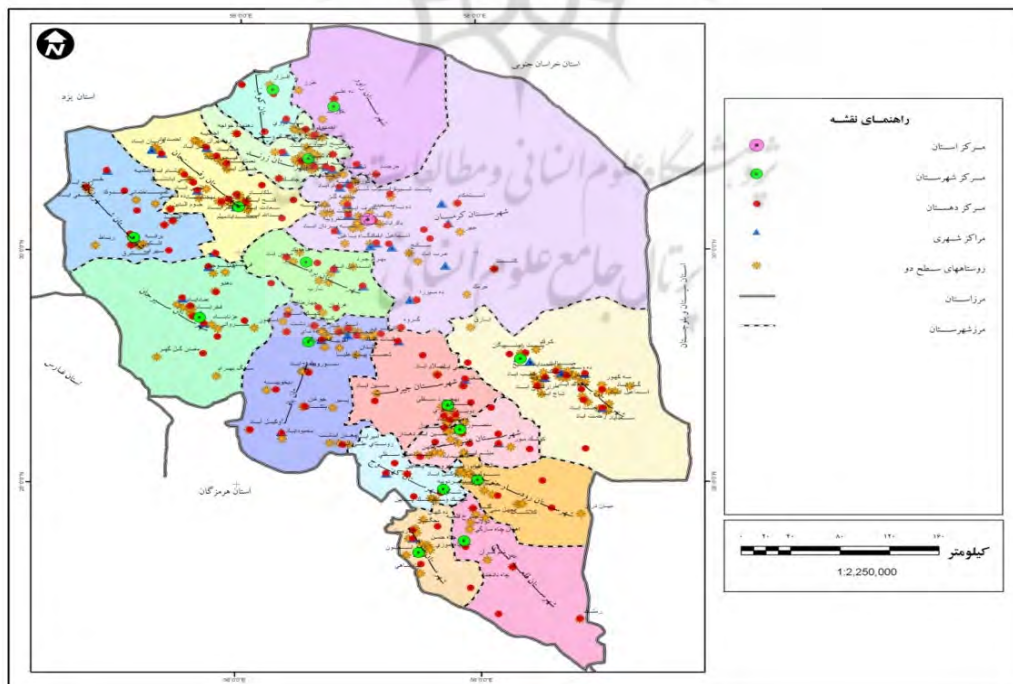
روستاهای سطح ۱: روستاهایی هستند که بیشترین بهره مندی از خدمات را دارند و به لحاظ جمعیتی نیز از جمعیت بالایی برخوردارند بطوریکه ۸۵ روستا ۱۶/۴ درصد از جمعیت روستایی استان را در خود متمرکز کرده اند و متوسط جمعیت هر روستا ۲۱۰۲ نفر می باشد. به لحاظ فضایی نیز عمدتاً در مناطق شمالی، مرکزی و غربی استان قرار دارند. در نقشه زیر قابل مشاهده است.

شکل ۱: روستاهای سطح یک استان کرمان



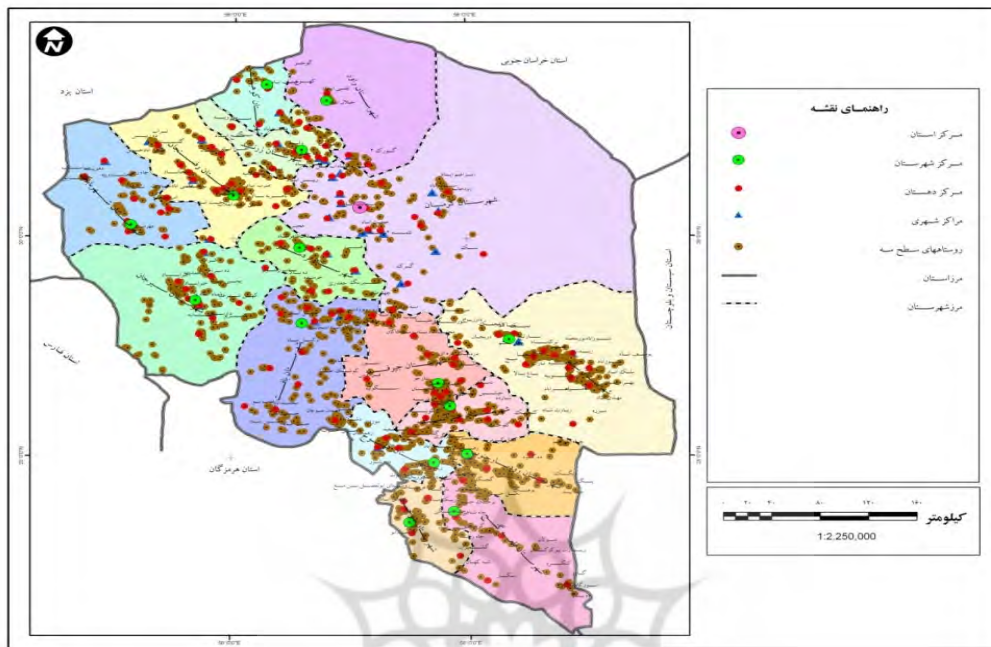
روستاهای سطح ۲: تعداد ۲۶۹ روستا در این سطح قرار دارند حدود ۴/۵ درصد از روستاهای استان و ۲۳ درصد از جمعیت روستایی استان را شامل می شوند. متوسط جمعیت هر روستا در این سطح ۹۳۷ نفر می باشد که از روستاهای متوسط محسوب می شوند.

شکل ۲: روستاهای سطح دو استان کرمان



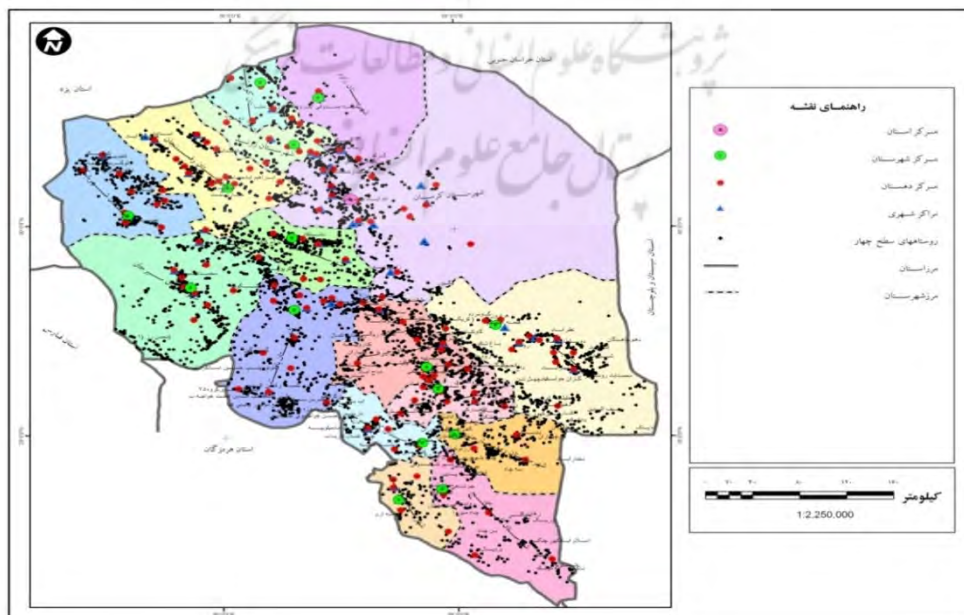
روستاهای سطح ۳: در این سطح ۱۴۴۳ روستا، ۲۴ درصد از روستاهای استان و ۴۱ درصد از جمعیت روستایی را در خود جای داده اند و متوسط جمعیت هر روستا ۳۱۰ نفر می باشد که از روستاهای نسبتاً کوچک محسوب می شوند.

شکل ۳: روستاهای سطح سه استان کرمان



روستاهای سطح ۴: در این سطح ۴۱۳۳ روستا، ۶۹ درصد از روستاهای استان و ۱۹/۱۳ درصد از جمعیت روستایی را شامل می شود و متوسط جمعیت هر روستا حدود ۵۰ نفر است که روستاهای کوچک و خیلی کوچک محسوب می شوند.

شکل ۴: روستاهای سطح چهار استان کرمان



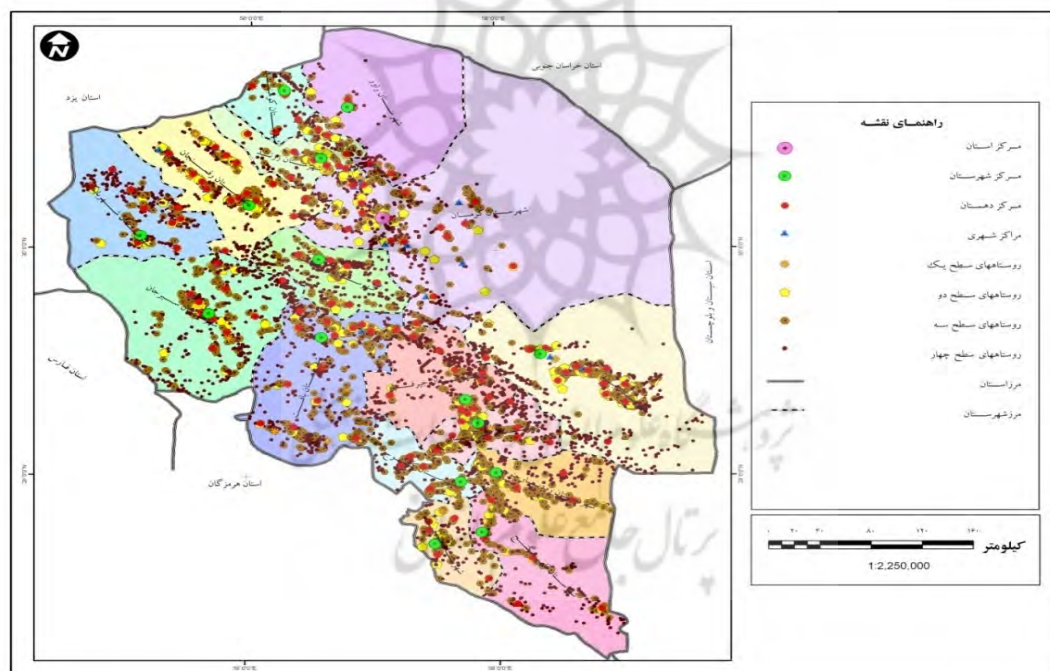
توزیع خدمات در این روستاها متناسب با به اندازه جمعیت آنهاست بطوری که روستاهای سطح ۴ از کمترین خدمات بهره می برند و به لحاظ توزیع فضایی در مناطق جنوبی استان قرار دارند. در نقشه توزیع روستاها دیده می شود. ملاک سطح بندی روستاها، تعداد جمعیت و بهره مندی از خدمات، امکانات و تسهیلات در روستا بوده است و بر اساس مدل میزان سنج نهادی گاتمن مورد محاسبه قرار گرفته اند.

جدول ۴: سطح بندی سکونت گاههای روستایی بر اساس میزان سنج نهادی گاتمن

متوسط جمعیت در هر روستا	جمعیت		روستا		سطح
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۱۰۲	۱۶/۴۲	۱۷۸۷۴۰	۱/۴۳	۸۵	سطح یک
۹۳۷	۲۳/۱۵	۲۵۲۰۵۴	۴/۵۳	۲۶۹	سطح دو
۳۱۰	۴۱/۱۱	۴۴۷۵۵۰	۲۴	۱۴۴۳	سطح سه
۵۰	۱۹/۳	۲۱۰۰۸۱	۶۹	۴۱۳۳	سطح چهار

مأخذ: آمار نامه استان کرمان سال ۱۳۸۵

شکل ۵: سطح بندی روستاهای استان کرمان



توسعه پایدار روستایی: توسعه پایدار آخرین مرحله از تغییر و تحولات و رشد و توسعه روستایی است. توسعه پایدار زمانی اتفاق می افتد که روستاها به رشد و توسعه و بالندگی دست یافته باشند. اما این مهم به راحتی اتفاق نمی افتد. توسعه پایدار توسعه مداوم و منطبق بر توانمندیهای محیط و بستر طبیعی و پتانسیل های منطقه ای است و یا به عبارتی هر گاه بستر جغرافیایی توانمندیهایی داشته باشد که به واسطه آن توانمندیها، توسعه مداوم منطقه ای تضمین گردد، توسعه پایدار رخ خواهد داد. کمیسیون برانت توسعه پایدار را چنین تعریف می کند. «توسعه ای که نیازهای فعلی را بدون خدشه دار کردن توانایی نسل آینده برای برآورده ساختن نیازهای خود برآورده نماید»

این کمیسیون همچنین مسائل محوری و شرایط ضروری برای توسعه پایدار را جمعیت و توسعه، امنیت غذایی، انرژی، صنعت و چالش های شهری عنوان کرده است. در این دیدگاه توسعه پایدار توسعه ای بلند مدت است که نسلهای آینده را نیز در بر می گیرد.

«می توان گفت توسعه در خور و پایدار درصدد فراهم آوری استراتژیها و ابزاری است که بتواند به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ دهد. تلفیق حفاظت توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی بر حفاظت یگانگی اکولوژیک» برای پاسخگویی به نیازهای فوق نیازمند توسعه ای همه جانبه و فراگیر در سطح جامعه هستیم (پاپلی یزدی، ابراهیمی، ۱۳۸۶ ص ۴۹)

یکی از راههای رسیدن به توسعه پایدار روستایی در استان توزیع فضایی بهینه جمعیت است. یعنی مناطق مستعدتر جمعیت بیشتر و مناطق کم استعدادتر جمعیت کمتری در خود پذیرفته باشد یا تراکم و تمرکز جمعیت به گونه ای باشد که آسیبی به منابع طبیعی وارد نکند و بیش از توان یک منطقه از آن بهره برداری نگردد. توزیع فضایی مناسب رابطه مستقیمی با سطح برخورداری اقتصادی دارد. به این معنی که هر چه سطح برخورداری منطقه ای بالاتر باشد، توزیع فضایی - مکانی متعادل تر است و امکان رسیدن به توسعه و توسعه پایدار بیشتر است. در استان کرمان امکان رسیدن به توسعه پایدار روستایی در مناطق شمالی و مرکزی و غربی استان بیشتر از مناطق شرقی و جنوبی است زیرا:

۱. سطح برخورداری مناطق شمالی استان بالاتر است.
۲. توزیع فضایی و مکانی روستاها متعادل تر است.
۳. زیر بنای لازم برای رسیدن به توسعه پایدار در دسترس تر است. اما لازم است اقدامات زیادی صورت پذیرد، از جمله حفظ جمعیت در روستاها، جلوگیری از مهاجرت جمعیت روستایی با اقدامات تشویقی، توسعه فعالیت های اشتغال زا، افزایش درآمد روستائیان، بهینه سازی ابزار تولید و شیوه های مدرن تولیدی.
- در مناطق جنوبی رسیدن به توسعه پایدار به راحتی صورت نمی گیرد زیرا ۱. سطح محرومیت بسیار عمیق است.
۲. توزیع فضایی و مکانی متعادل نیست ۳. پتانسیل های منطقه ای از تنوع لازم برخوردار نیست ۴. مزیت عمده این منطقه کشاورزی است و به دلیل نوسان در قیمت محصولات کشاورزی امکان تولید مازاد اقتصاد روستایی بسیار پایین است. ۵. امکان ایجاد سلسله مراتب خدمات روستایی کمتر است ۶. مراکز شهری مهم که تأمین کننده نیازهای جامعه روستایی باشد محدود است.

برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی باید تعداد جمعیت و بهره برداری از منابع آب و خاک در هر روستا را متناسب با توانمندیهای آن روستا یا مناطق روستایی در نظر گرفت. برای تعیین پایداری روستا باید تک تک روستاها و یا مناطق روستایی از نظر منابع و پتانسیل های طبیعی مورد شناسایی قرار گیرند و به لحاظ سطح پایداری نیز دسته بندی و سطح بندی گردند.

نتیجه گیری:

۱. انسان برای رسیدن زندگی روستایی مسیر طولانی طی کرده است. بیابانگردی، جنگل نشینی و بوستان کاری، شکار و ...
۲. مکان پیدایش زندگی روستایی در درجه اول بیانگر پتانسیل های منطقه ای است که روستا در آن بوجود آمده است. زیرا بدون پتانسیل هایی مانند آب فراوان، خاک حاصلخیز، هوای مساعد، امکان بوجود آمدن روستا وجود نداشت.
۳. پدید آمدن اولین روستاها در بین النهرین و مناطق جنوب غربی ایران امروزی بدلیل موضعی مساعد مکانی و منطقه ای این بخش از کشور ما برای پدید آمدن زندگی روستایی بوده است.
۴. وضعیت کنونی نظام روستایی کشور ناشی از تغییر و تحولاتی است که در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و اداری کشور پدید آمده و از یک ساختار روستایی صرف به سوی ساختار دو بخشی (شهری و روستایی) و در دو دهه اخیر با گرایش به سوی زندگی شهرنشینی به سمت شهری شدن متمایل گشته است.
۵. نظام روستایی استان کرمان متأثر از تغییر و تحولات ساختاری در نظام روستایی کشور می باشد. روند افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی در آن مشهود است بطوریکه نسبت جمعیت روستایی از حدود ۶۳ درصد در سال ۵۵ به ۴۱ درصد در سال ۸۵ کاهش پیدا کرده.
۶. نسبت جمعیت روستائین در شهرستانهای استان دامنه نوسان زیادی دارد از حداقل ۱۲ درصد در شهرستان کرمان تا ۸۲/۷ درصد در شهرستان قلعه گنج.
۷. توزیع فضایی - مکانی روستاهای استان مناسب نیست بطوریکه مناطق شمالی، مرکزی و غربی استان بیشترین روستاها (۳۸۶۹ روستا) بیشترین درصد روستایی استان (۵۷/۵ درصد)، بیشترین روستاهای بزرگ استان، ۶۲ روستا از ۸۵ روستای بزرگ استان در بخش شمالی استان قرار دارند درحالیکه منطقه جنوبی و شرقی استان علیرغم بافت جمعیت روستایی اما حدود ۴۰ درصد از روستاها و جمعیت روستایی استان را در اختیار دارند بنابراین از لحاظ توزیع فضایی - مکانی با عدم تعادل روبرو هستیم.
۸. روستاهای استان را در چهار سطح دسته بندی نموده ایم. هر چه از سطح یک به سطح چهار پیش می رویم از جمعیت روستایی کاسته شده و روستاها کوچکتر، توزیع خدمات در آنها نامتعادل تر و سطح بهره مندی از امکانات و خدمات کمتر است.
۹. یکی از راههای رسیدن به توسعه پایدار روستایی، توزیع بهینه جمعیت متناسب با پتانسیل های هر منطقه است در استان کرمان امکان رسیدن به توسعه پایدار روستایی در مناطق شمالی، مرکزی و غربی بیش از مناطق جنوبی و شرقی است.



یشنهادات:

۱. روند افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی به روند اجتناب ناپذیری تبدیل شده است بایستی با تلاش حداکثر به تثبیت جمعیت روستایی دست پیدا کرد.
۲. سمت و سوی برنامه ریزیها باید به گونه ای باشد که موجب کاهش مهاجرت از روستا شده و به تثبیت جمعیت روستایی کمک کند.
۳. باید از شهرنشین کردن جمعیت روستایی اجتناب شود، افزایش جمعیت یک روستا نباید به معنی شهری شدن آنان تلقی شود و نباید یک روستای برخوردار را به یک شهر محروم تبدیل کرد.
۴. در توزیع متعادل جمعیت روستایی در شمال استان باید از توسعه صنایع دستی، در مناطق مرکزی و غربی استان از فعالیت های باغداری و فعالیت های وابسته به آن، در جنوب استان از توسعه فعالیت های زراعی و باغی توأمآ بهره جست تا به کاهش مهاجرت از روستا دست یافت.
۵. برای رسیدن به توزیع فضایی- مکانی بهینه روستایی در استان بایستی متناسب با مزیت های نسبی در منطقه جهت توسعه را هموار کرد. زیرا مزیت های نسبی موجب سودآوری، اشتغال زایی و کاهش مهاجرت می شود.
۶. در سطح بندی روستاها عامل جمعیت و بهره مندی از خدمات به عنوان دو عامل عمده در نظر قرار گرفته شده، برای تعادل بخشی باید سطح بهره مندی از خدمات را متناسب با جمعیت و جمعیت را متناسب با میزان بهره مندی از خدمات در نظر گرفت.
۷. توسعه پایدار روستایی را بایستی در نیازها و پتانسیل های روستایی ها جستجو کرد به این معنی که نیازهای روستایی موجب بکارگیری پتانسیل های منطقه ای و محلی می گردد. نیازهای جامعه روستایی امروزی متنوع تر و بیشتر از گذشته است و به همان میزان سطح بهره گیری از پتانسیل ها نیز بیشتر و متنوع تر شده است به عبارتی بایستی از پتانسیل ها در جهت رفع نیازها و توسعه پایدار بهره جست.
۸. توسعه پایدار روستایی زمانی محقق می شود که رمز و راز ماندگاری جمعیت در روستا را بدانیم و برای آن برنامه ریزی کنیم. برای این منظور باید به یک بهسازی تکنولوژی روستایی دست بزنیم. یعنی محیط روستا را به یک محیط پردرآمد، اشتغال زا، پرجاذبه برای نسل جدید تبدیل کنیم زیرا روستا با تولید و تکنولوژی سنتی برای نسل جدید جاذبه ندارد.
۹. روستا باید به یک محیط پژوهش، تصمیم سازی، مدیریتی و اجرایی تبدیل شود یعنی روستا به بستر یک فرایند از مطالعه تا اجرا تبدیل شود و همه مراحل این فرایند در روستا به انجام برسد به عبارتی در شهر برای روستا تصمیم گیری نشود زیرا همانطور که در روستا برای شهر تصمیم گیری نمی شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- آسایش، ح. استعلاجی، ع، (۱۳۸۲)، اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ۲- استانداری کرمان، طرح آمایش استان، تحلیل نظام شهری و روستایی استان، ۱۳۸۷.
- ۳- پاپلی یزدی، م. ابراهیمی م. (۱۳۸۶)، نظریه های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۴- حسینی، س. (۱۳۸۰) مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۵- حسین زاده دلیر، ک، (۱۳۸۷)، برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، سالنامه آماری استان کرمان، ۱۳۸۵، کرمان.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، مطالعات اقتصادی و اجتماعی استان کرمان، ۱۳۸۵، کرمان.
- ۸- سعیدی، ع (۱۳۸۶)، سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ۹- سعیدی، ع، حسینی حاصل ص، شالوده مکان یابی و استمرار روستاهای جدید، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ۱۰- سعیدی، ع (۱۳۷۸)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۱- سعیدی، ع (۱۳۸۸)، سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- غضنفر پور، ح (۱۳۸۷) بررسی سیر تحولات جمعیت استان کرمان طی دوره پنجاه ساله ۱۳۸۵-۱۳۳۵، طرح پژوهشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۱۲- لانسکی، گ و لانسکی، ج. ترجمه ناصر موفقیان، (۱۳۶۹)، سیر جوامع بشری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس مسکن سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۵، تهران.
- ۱۴- مهدوی، م (۱۳۸۳)، جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۵- هایوودیان و همکاران، ترجمه گیتی تجویدی، (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر سیستم های اطلاعات جغرافیایی، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، تهران.